

<p>روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>	
<p>حَدیث روز: امام باقر(ع): روزه وحج، آرمیخش دل‌هاست،</p>	<p>میزان‌الحکمه</p>
<p>واحه: خوش‌انماز و نیازکسی که از سردرد به آب دیده و خون جگر طهارت‌کرد</p>	<p>حافظ</p>
<p>اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۳/۴ اذان مغرب: ۱۹/۵۵ اذان صبح (فردا): ۴/۵۹ طلوع خورشید(فردا): ۶/۲۸</p>	<p>وضعیت آب و هوای امروز</p>
<p>شنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۰ ۴ رمضان ۱۴۴۲ صفحه ۱ سال بیست و یکم - شماره ۵۹۱۵ استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان Saturday - April 17, 2021</p>	

مقطع حساس کنونی دزدیدن خودروی آقازاده بالکاتی

🔗 در یکی از کشورهای ناحیه بالکان، آقازاده‌ای به‌همراه‌تنی چند از دوستان خود (اعم از اجناس موافق و مخالف) برای تفریح و تفرج به یکی از شهرهای ساحلی عزیمت کردند. آنها پیش از آن‌که به ویلای اختصاصی آقازاده بروند به کنار دریا رفتند و در آنجا جوج به سیخ زدند و به همراه مخلقات خوردند و سپس در کنار دریا آتش روشن کرده به بحث و تبادل نظر و اجرای حرکات موزون مشغول شدند. وقتی بساط جوج و مخلقات و بحث و تبادل نظر و حرکات موزون را جمع کردند تا به ویلای اختصاصی آقازاده بروند، متوجه‌شدندسارق‌ی‌خودروی‌گرانقیمت آقازاده را مورد سرقت قرار داده‌است. آقازاده که خیلی عصبانی شده بود سوار خودروی یکی از همراهان شد و همه با هم به میدان شهر رفتند. در میدان شهر آقازاده از خودرو بیرون آمد و خطاب به مردم شهر گفت: پدر من سال‌ها پیش به شهر شما آمد و دزد خودروی وی را دزدید. حالا ۳۰ سال از آن‌روز گذشته است و من به شهر شما آمده‌ام. لذا دزد خودروی مرا هم دزدیده است. لذا بدین‌وسیله اعلام می‌دارد اگر همین امشب دزد خودروی مرا نیابد و جلوی ویلای من پارک نکند، همان‌خواهم کرد که ۳۰ سال پدرم کرد. حالا می‌بینید. سپس به‌همراه دوستان سوار خودرو شدند و به ویلا رجعت کردند. فردای آن‌روز وقتی آقازاده از خواب بیدار شد مشاهده کرد خودرویش جلوی ویلا پارک شده است. آقازاده دوستانش را صدا کرد و به شکرانه بازگشتن خودرو در حیاط ویلا آتش روشن کردند و جوج زدند و به بحث و تبادل‌نظر و حرکات موزون پرداختند. یکی از دوستان آقازاده رو به وی کرد و گفت: راستی پدرت وقتی ماشین‌اش را دزدیدند چه کرد؟ آقازاده گفت: کاری نکرد. به پلیس گزارش داد و سوار اتوبوس شد و به خانه برگشت. دوستش گفت: ای کلک. پس چرا؟ آقازاده گفت: من اکنون یک آقازاده‌ام و پشتم به آقام گرم است. اما آقام آقازاده نبود و پشتش به جایی گرم نبود. دوستش گفت: فهمیدم. و ادامه داد: همین خاطره‌های خوش است که برای آدم می‌ماند.

مرور غبورنامم ۲۰ سال قبل

نمایش فیلم‌های ایرانی در مینیاپولیس

فیلم‌های سینمایی «پسر مریم» به کارگردانی حمید جبلی و «نسل سوخته» ساخته رسول ملاقلی‌پور در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مینیاپولیس حضور دارند. این جشنواره از ۱۷فروردین شروع شده و تا اول اردیبهشت در آمریکا ادامه خواهد داشت. فیلم‌های کوتاه «رسم عاشق‌کشی»، «زیارت»، «من و عروسکم»، «دایره» و «موج بر ساحل» نیز در این جشنواره نمایش داده خواهد شد. (صفحه ۳)

ناراضیتی چین از اظهارات آمریکا

چین ناخشنودی خود را از اظهارات غیرمسئولانه مقام‌های آمریکایی در ارتباط با حادثه هوایی اول آوریل (۱۳فروردین) اعلام کرد. جانکی چی یو، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در بیانیه‌ای اعلام کرد: آمریکا بدون در نظر گرفتن واقعیت همچنان به اظهارات نادرست و اشتباه متوسل می‌شود و حتی چین را در این رابطه متهم می‌کند. (صفحه ۱۶)

کافه میرداماد



بازنشرفت‌وگو با مهوش وقاری، همسر محسن قاضی‌مرادی درباره زندگی مشترک

یک عاشقانه آرام

🔗 محسن قاضی‌مرادی بعد از سپری کردن یک دوره بیماری‌طوئانی، روز پنجشنبه درگذشت و دیروز در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. بازپگر توانمندی که با نقش‌های متفاوتش خاطره خوبی در ذهن مردم به جای گذاشت. در کنار زنده‌یاد قاضی‌مرادی همسری‌قرار داشت که سال‌ها چشم به روی همه خوشی‌ها و آسایش زندگی و حرفه بازیگری بست‌تا‌ز همسرش مراقبت‌کند. قاضی‌مرادی که فوت کرد، شبکه‌های اجتماعی پر شد از ذکر نام مهوش وقاری با عنوان همسری باوفا که تا آخرین لحظه پای مرد زندگی‌اش ماند. ۶۰تیر سال ۹۹ با مهوش وقاری هم‌صحبت شدم و او صادقانه درباره زندگی مشترکش برایمان گفت. این گفت‌وگو را بازنشر می‌کنیم تا بار دیگر صحبت‌های این خانم محترم و دوست‌داشتنی را درباره عشق و زندگی مشترک مرور کنیم.

🔗 نیامده‌ام که بروم

به مهوش وقاری تلفن کردم تا درباره زندگی مشترک با او صحبت کنم و وفاداری زن و مرد به یکدیگر و این که بانک عاطفی زن و شوهرها باید چقدر قوی باشد که پشتوانه هم باشند و سال‌ها زیر یک سقف زندگی کنند و هر دو احساس رضایتمندی از این زندگی داشته باشند. می‌گویند نام‌ها روی شخصیت آدم‌ها تاثیرگذارند و این بار شاید فامیلی وقاری روی

از او به نام قاضی یاد می‌کند. اواخر سال گذشته بوده که مادر وقاری فوت می‌کند؛ مادری که پناهگاه و تکیه‌گاه امنی برای دخترش بوده. مادر که می‌رود اما زیر قولی که خودش به خودش داده زنده. وقاری می‌گوید جایی احساس کردم دارم با خودم لجبازی می‌کنم. بعد واژه دیگری برایش پیدا کردم. احساس کردم باید بمانم و ایستادگی کنم تا به محسن ثابت کنم من نیامده‌ام بروم.

🔗 عشق را از مادرم آموختم

شش ماه گذشته برای مهوش وقاری روزها سخت‌تر بوده‌اند. سخت‌تر از آن‌سالی‌که او درگیر بیماری همسرش محسن قاضی‌مرادی است که میان صحبت‌هایمان

۴۰ سال زیر یک سقف

«بازیگری شهرت به همراه دارد، اما من از شهرت هم چشم پوشیدم. الان شما می‌گویید دارم تبدیل به نماد وفاداری می‌شوم. اما راستش من تبدیل به مادر شوهرم شده‌ام. بیماری او را تبدیل به طفلی کرده که مراقبت زیادی نیاز دارد و من مانند مادر از او مراقبت می‌کنم. وظیفه‌ای است که برای خودم تعریف کرده‌ام. نسل من چنین است. سر قرار ازدواج‌مان می‌مانیم. شهروپر که بیايد ۴۰ سال است ازدواج کرده‌ایم. ۱۰ سال است محسن بیمار است. سال‌های اول به من زیاد کار پیشنهاد می‌شد مثلاً سریالی که باید دو سه ماه می‌رفتم شهرستان اما قبول نکردم. نمی‌توانستم محسن را تنها بگذارم. به مرور پیشنهاد کم‌کم چون می‌دانستند قبول نمی‌کنم محسن را تنها بگذارم. بازیگری را دوست داشتم، اما الان دیگر به این علاقه

استقلال؛ قهرمان جام آزادگان

علی فتحا...زاده، مدیرعامل باشگاه استقلال تهران دو روز پس از قهرمانی این تیم در جام آزادگان اظهار امیدواری کرد که این تیم در رقابت‌های جام برندگان جام باشگاه‌های آسیا هم قهرمان شود. برای فتحا...زاده که پس از پنج سال برنامه‌ریزی به قهرمانی رسیده است گفت: بچه‌های ما واقعا زحمت کشیدند و ما مزد این زحمات را گرفتیم. وی درباره بازی با الشباب گفت: روز ۲۲ اردیبهشت به عربستان می‌رویم تا تیم را برای بازی در روز بیست‌وهفتم با الشباب آماده کنیم. دلیل این‌که زود می‌رویم این است که بازیکنان با آب‌وهوای عربستان آشنا شوند و آمادگی لازم را برای بازی را پیدا کنند. (صفحه ۵)



تلفنگر تمدن سنگی

🔗 همیشه با خودم فکر کرده‌ام که اگر مثل کشورها و ملت‌های عربی دنیا که با تمام تفاوت‌های نژادی و لهجه‌های زبانیشان، بین‌خودشان چیزی به نام «جهان عرب» دارند و خود را به آن متعصب و پایبند می‌دانند، اگر ما هم چیزی به نام «جهان فارسی» داشتیم چه می‌شد؟ مثلاً از غرب ایران تا شرق تاجیکستان و بخشی از هند همه با وجود همه تفاوت‌های نژادی و لهجه‌ها و گویش‌های مختلف، پایبند به این می‌شدند که وجودشان ربطی به زبان فارسی دارد و از این نظر با فلاتی که چندصد کیلومتر آن طرف زندگی می‌کند و فارسی‌زبان است برادرند. جهان عرب برخورد عجیبی با خود و دنیا دارد. اگر از درون روابط بین ملت‌های این ناحیه را بررسی کنیم متوجه می‌شویم این تفاوت‌های نژادی و زبانی فقط در همین حد باقی نمانده و بعضی ملت‌های این ناحیه به‌واقع با هم میانه خوبی ندارند. اما در مقابل قدرت‌های جهانی‌چنان‌که اعضای یک خانه باشند و مقابل همسایه بخواهند آبرو حفظ کنند، همدیگر را برادر خطاب می‌کنند و دست‌اوردهای فرهنگی و هنری کشور خود را پای این مرزبندی بزرگ‌تر می‌نویسند. البته در مورد این همبستگی و برادری مثال نقض‌هایی هم مثل قضیه رژیم اشغالگر و فلسطین وجود دارد که بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبد. حالا بیایید این جهان فارسی خیالی را که برای خودمان ساخته‌ایم کمی برانداز کنیم. آیا مثل جهان عرب خواهد شد؟ آیا یک ایرانی حاضر است یک افغانستانی را در شادی بردن اسکارا صفر فرهادی شریک بداند؟ آیا حاضر است افتخار دست‌یافتن به فناوری نانو را با چوچانی در بیابان‌های تاجیکستان قسمت کند؟ چرا اینها را گفتیم؟ همه‌اش از آنجا شروع شد که دیدم تیم فوتبالی از کشور هند به کنفدراسیون فوتبال آسیا از باشگاه پرسپولیس شکایت کرده و موضوع شکایت برمی‌گردد به یک پست اینستاگرامی که صفحه رسمی باشگاه پرسپولیس طبق کری‌خوانی‌های مرسوم خودمان پیش از بازی با این تیم هندی گذاشته است. ماجرای نادرشاه افشار را پیش کشیده و حمله به هند و غارت و این حرف‌ها؛ حالا به این نتیجه رسیده‌ام که با این همه پز روشنفکری و افتخار به هزاران سال تمدن سنگی بر دیوارهای تخت جمشید، ماه‌نوز به غارت‌کردن برادران مان افتخار می‌کنیم و هنوز صلاحیت داشتن «جهان فارسی» را نداریم!

زندیاد محسن قاضی‌مرادی دیروز در قطعه هنرمندان به خاک سپرده‌شد | تکست: میزبان